

از دانشگاه ارفعالدوله تا پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

رضا منصوری، پژوهشگاه



جزئیات مقاماتی که او کسب کرده، توانایی‌هایش چه صادق و چه کاذب، نوع رشوه‌هایی که داده و گرفته، فخری که به سمت‌هایش فروخته و تأثیرهای واقعی و کاذب‌شدن در رویدادهای سال‌های فعالیتش را می‌توانید در مقدمه کتاب خاطراتش و در متن کتاب بخوانید، گرچه متن کتاب خواندنی نیست و آزاردهنده است. شخصیت او من را یاد توصیف‌های حاجی بابا اصفهانی می‌اندازد. چقدر این حاجی بابا ایران را، دست کم بخشی از ایران را، خوب توصیف می‌کند. کلماتی را که از مقدمه ذکر کردم اگر مصدق‌هایش را در ذهن خودتان گسترش دهید راه دوری نرفته‌اید. حاجی بابا را تصور کنید اما در سطحی فرهیخته‌تر!

در خاطرات محمد علی فروغی خوانده بودم که ارفعالدوله نام قصر یا عمارتش را در موناکو «دانشگاه» نامیده بوده! فروغی در سال ۱۹۱۸/۱۲۹۷ به هنگام بازدید از منزل ارفعالدوله در موناکو این را می‌نویسد. برای من همواره جالب بود که در آن زمان، حدود ۱۵ سال قبل از تأسیس دانشگاه تهران و به کار رفتن این واژه در مقابل اونیورسیتۀ فرانسوی، این چه ویژگی شخصیتی ارفعالدوله بوده که به این واژه رسیده.

از طرف دیگر در اواسط دهه ۸۰ که به باغ لارک سر می‌زدیم و قرار بود مستقر شویم از کسانی شنیده بودم که باغ لارک پژوهشگاه متعلق به خانواده ارفعالدوله بوده؛ بهشوخی به همکاران می‌گفتم «پس غصبی است و نماز ندارد! اما بشنوید داستان آن دانشگاه را تا این پرده‌ی پژوهشگاه!

چند روز پیش دانشجویی از دانشگاه کاشان، که چند سال پیش در درس «مبانی تفکر در علوم فیزیکی» از من در مورد عمارت دانشگاه در موناکو شنیده بود، پیامی داد با چند عکس از این عمارت. خیلی خوشحال شدم که بالاخره با این عمارت دانشگاه آشنا شدم؛ و چه عمارت زیبایی! در اینترنت پیگیر شدم، اطلاعات جالبی به دست آمد.

اول اینکه واژه کلیدی در اینترنت Villa Danichgah است. نام این عمارت در سال ۱۹۸۶/۱۳۷۵ به Villa Ispahan تغییر یافت. پس هر دو را می‌توانید جستجو کنید.

مقدمه کتاب خاطرات ارفعالدوله، به نوشته علی دهباشی، این‌گونه شروع می‌شود:

«میرزا رضاخان، متألص به دانش و ملقب به ارفعالدوله، یکی از رجال اواخر عهد ناصری و مظفرالدین‌شاهی که در سیاهه قریحه خوش و هوش خود و باستفاده از تمامی طرق متدائل عصر، همچون چاپلوسی، رشوه پردازی، توطئه، و زدویند و پشت‌هم‌اندازی توانست از خانه‌شاگردی به مقام و منصب برسد و ثروت فراوان بیندوزد.»

و اما ارتباط ارفعالدوله با کلمه دانش :

هنگامی که محمودخان علاء امیرک سمت سرگنسول ایران را در تقلیس داشت، میرزا رضا در کنسولخانه ایران وارد خدمت شده و پس از مدقی سمت متجمی می‌یابد. در همین ایام به مناسبت همسایگی و معاشرت با میرزا فتحعلی آخوندزاده، و تحت تأثیر افکار وی جزوهای در لزوم تغییر رسم الخط زبان فارسی نگاشته و به چاپ رساند، نسخ آن را برای بزرگان و از جمله ملکم خان ارسال می‌کند. ملکم خان نیز در پاسخ وی (و گویا به قصد استهزاء) می‌نویسد که چون شما معلومات فراوان دارید، همچنانکه در فرنگستان معمول است خوبست که شما نیز کلمه دانش را برای نام خانوادگی خود برگزینید و از این به بعد من شما را در نامه‌های خود میرزا رضاخان دانش خواهم نوشت. میرزا رضا نیز پیشنهاد ملکم خان را به جدّ گرفته قبول می‌کند، ولی بعدها دانش را تخلص شعری خود قرار داده و نام خانوادگی ارفع را برای خود برمی‌گزیند.



و این هم چند نمونه از شاهکارهای او:

باری، ارفعالدوله در طول مأموریت قفقاز ثروتی بیحذگرد آورد، خانه‌ای مجلل و هتلی بنام «فیروزه» در محله اعیان‌نشین تقلیس «بورزم» بنا کرده و توانست با پرداخت پول به مقامات ایران القاب و عنوانین و نیز حامیان فراوان کسب کند. ...

و در ادامه

... مبلغ وام فوق، خرج مسافرت مظفرالدین شاه به فرنگ شد. شاه در این سفر ضمن عبور از سن پترزبورگ به ارفعالدوله لقب پرنس می‌دهد (ربیع الاول ۱۳۱۸). در همین سال به عنوان سفیر کبیر فوق العاده برای اسریک و تهیت و حضور در جشن سال بیست و پنجم جلوس سلطان عبدالحمیدخان دوم از طرف شاه به اسلامبول فرستاده شد. در سال ۱۳۱۹ق. از سفارت پترزبورگ عزل و سفیر اسلامبول شد. به نوشته بامداد علت تغییر مأموریتش برای این موضوع بود که «چون پولی که در سال ۱۳۱۸ از روس‌ها قرض شده، در اروپا خرج خوش‌گذرانی شاه و اطرافیان بی‌بندوبیار او گردید و به کلی قمام شد، از این جهت دولت محتاج به قرضه دوم گردید، و چون قرضه‌ها برای زمامداران امور حق العمل و دلایل زیادی داشت، میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله